

بومی سرایی در بوشهر

به کوشش عبدالمجید زنگویی

زنگویی، عبدالمجید، ۱۳۱۶ -، گردآورنده
بومی سرایی در بوشهر/ به کوشش عبدالمجید زنگویی. -- تهران: لیان، ۱۳۸۴.
۴۵۹ ص؛ همچنین به صورت زیرنویس.

ISBN: 964-8608-03-2

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۴۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. شعر بوشهری -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها. ۲. شعر فارسی -- قرن ۱۴ --
مجموعه ها.
الف. عنوان.

۸۶۹/۹۵۵۶۴۰۱

PIR ۳۰۲۴/ب/۸۴

۵۷۱۳-۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

بومی سرایی در بوشهر عبدالمجید زنگویی

شمارگان : ۲۰۰۰ دفتر
تاریخ انتشار : ۱۳۸۴
نوبت چاپ : اول
لیتوگرافی : دیرین
چاپ و صحافی : گهر
حروفچین : مرضیه فراهانی

انتشارات لیان

تهران - سعادت آباد - خیابان ارغوان شرقی - کوی مروارید - شقایق ۲ - پلاک ۱۰
تلفن ۸۸۵۶۰۴۸۹

ISBN964-8608-03-2

شماره شابک ۹۶۴-۸۶۰۸-۰۳-۲

آوانگاری

x	خ	a	آ
d	د	^v a	آء
r	ر	e	ا
z	ذ، ز، ض، ظ	i	ای
^v z	ژ	o	اُ
š	ش	u	او
q	غ، ق	ù	اوو
f	ف	ò	اوُ
k	ک	,	همزه، ع، وسط
g	گ	b	ب
L	ل	p	پ
m	م	t	ت، ط
n	ن	s	ث، س، ص
v	و	j	ج
y	ای، ی	^v c	چ
		h	ح، ه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار: عبدالمجید زنگویی
۱۱	آتشی، منوچهر
۴۹	آذری، محمد
۶۳	آرش نیا، محمد حسن
۶۷	اکبرزاده، بهرام
۸۳	بابا چاهی، علی
۱۰۵	باوری پور، ثریا
۱۱۵	بهبزادی، سید اسماعیل
۱۲۹	بیابانی، محمد
۱۴۳	جعفری، یونس (ی شکیب)
۱۴۷	جعبی، عبدالعلی
۱۵۱	حامدی، محمد جواد
۲۱۱	حسین زاده، سید جلال
۲۱۷	حسینی دشتی، سید علینقی
۲۲۳	حمیدی، دکتر سید جعفر
۲۴۱	حیاتی، غلامرضا
۲۵۵	خدادادی، معصومه
۲۶۵	خدری، ام‌الله

۲۷۵	 درویشی، قاسم
۲۸۵	 شجاع، سید حسن
۲۹۱	 شمس العلماء، سید احمد
۳۰۵	 شمسی زاده، ایرج
۳۳۳	 عرفان، حیدر
۳۴۵	 غضنفر، امید
۳۵۱	 غلامی، محمد
۳۶۱	 کرمی، عباس
۳۶۹	 کمالی، فرج الله
۳۸۹	 محمود نژاد، محمد
۳۹۷	 مرادی، علی
۴۲۵	 منصوری، احمد
۴۳۳	 نوری فیروزی، حسین
۴۴۵	 وحیدی، یحیی
۴۴۹	 هاشمی زاده، سید محمد
۴۵۵	 هاشمی فرد (ساجد)، سید محمد
۴۶۱	 هوشمند، علی
۴۵۹	 منابع و مآخذ

پیشگفتار

زبان شعر وسیله ارتباط بین شاعر و خواننده یا شنونده است و این ابزار هرچند گسترده‌تر و در ذهن و زبان و اندیشه مردم جا افتاده‌تر و با احساسات خواننده نزدیک‌تر و دور از تعقید باشد ارتباط بهتر و بیشتری برقرار و پیامها راحت‌تر دریافت می‌شود.

این ارتباط شاعرانه می‌تواند به زبان ملی و همگانی باشد یا گویش بومی و محلی، هرچند که برد گویش محلی بسیار کمتر از زبان ملی است و بیشتر کاربرد محلی را دارد اما اگر شاعر بومی سرا فرهنگ بومی، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، هنجارها، نمادها، آداب و رسوم، تاریخ و فراز و نشیب و دردها، خوشیها و ناخوشیهای منطقه را با رعایت جوهر و ظرافتهای شعری و عنصر تخیل منتقل سازد می‌تواند به کمک شعر ملی بیاید و آن را بالنده و پویا سازد و غنا و تازگی آن را دوچندان نماید، چنانکه در موسیقی هم چنین است. همان کاری که نیما یوشیج در «ماخ اولاً»، منظومه «سرریلی» و امیری پازواری نیز در همان دیار و محمدحسین شهریار در آذربایجان به انجام رساندند و منوچهر آتشی در جنوب به بهترین صورت آن، و پیش از همه اینها فایز دشتی در جنوب، که با افسانه‌هایی که درباره وی آورده‌اند در ذهن و زبان عنصر جنوبی جا گرفته است. در بومی‌سرایایی به نظر من این‌گونه نیست که به الزام در تمام شعر، واژگان و گویشهای محلی و بومی به کار گرفته شود - که البته این هم از نظر زبان، روان‌شناختی و زیباشناختی بحث خاص خود را دارد -

همانگونه که در این جا آورده‌ام و در جای دیگر نیز نوشته‌ام به کارگیری واژگان و گویش بومی یک روی جریان و قضیه می‌باشد آن هم نه محور اصلی و اساسی موضوع، بلکه به نظر من منظور بیشتر بیان و نشان‌دادن فرهنگ و نمادهای بومی و گره خوردگی با احساسات مردم است که مطرح می‌شود و در این جا گوهر و جوهر شعری و بیان احساسات و نشان دادن نمادها، تاریخ و فرهنگ و بهره‌گیری از تخیل و ظرافت‌های شعری باید به کمک شعر بومی بشتابد و بر آن جامه‌ای نو بپوشاند تا هویتی تازه و بدیع به شعر داده شود. منوچهر آتشی در هیچکدام از اشعارش، گویش محلی را به تمامی به کار نگرفته اما وقتی به کلیت شعرش می‌نگریم می‌بینیم که کمتر شاعری مانند وی نمادها، هنجارها، افسانه‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و تاریخ منطقه را نشان داده است و این چیزی است که به کمک شعر و زبان ملی می‌شتابد تا آن را بالنده‌تر سازد و شعر امروز را جانی تازه ببخشد و به راستی در این روند کمتر شاعری نظیر آتشی در جنوب کار کرده است.

در ترانه‌های فایز بی‌آنکه از گویش محلی استفاده شده باشد بهترین الگوی شعر بومی و مردمی را بدست داده است که می‌تواند به زیباترین روی، فرهنگ بومی و ملی را به هم پیوند زند و ترانه‌هایی که فرهنگ عاطفی، روحی، دردها و هجران، غربت‌زدگی، ناکامی‌ها و کامرواییها، اعتقادات مذهبی و هنجارهای فرهنگی و افسانه و اسطوره را با تمام فراز و نشیبش با توجه به دیرینگی فرهنگ ایرانی بیان کند به گونه‌ای که در شعر زمان و پس از خود تأثیرگذار باشد. و ده‌ها شاعر جنوبی پیرو او و به روالش شعر بسرایند. صدای فایز، صدای مردم جنوب است و نگرانی و اضطراب وی، نگرانی و اضطراب مردم زمانش، که در عصر حکومت خان‌خانی زیست می‌کنند با همه خصوصیاتش، فضای شعر فایز و دیگر ترانه‌سرایان جنوب نظیر: مفتون، باکی، نادم، شیدا، توکل و... (که همه پیرو سبک و سیاق فایز هستند) لبریز است از اندوه و غم، هجران و

غربت‌زدگی و دربه‌دری و شکست و سرخوردگی که متناسب و زیر تأثیر رویکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمان سروده شده‌اند همراه با طبیعت خاص جنوبی آن.

فایز همدوره و همشین ادیبان و شاعرانی نظیر: محمدخان دشتی و ملاحسن کبگانی و دیگر شاعران عصر قاجار بوده که واژگان محلی را در شعر خود به کار نمی‌گرفته‌اند و حتی بعضی از آنان سرودن دوبیتی را سخیف می‌دانسته‌اند. چنانکه محمدخان می‌گوید:

نه هرکه گفت دوبیتی سخنوری داند

رموز قاعده و طرز شاعری داند

نه هر سگی که درد جامه غریبی را

شکوه حمله و فر غضنفری داند^۱...

بعدها در جنوب، سید علی نقی حسینی دشتی سنت را می‌شکند و شعرهایی به گویش محلی می‌سراید که مورد پسند و اقبال خواننده قرار می‌گیرد.

در اینجا، سخن بر سر بومی‌سرایی در استان بوشهر است.

چنانکه گفته شد واژگان ابزار کار شاعر و وسیله ایجاد ارتباط او با خواننده است. هرچند بار فکری و فرهنگی، احساسی و روحی، همدردی، هم‌زبانی و همدلی در واژگان و کلیت شعر بیشتر، ارتباط بهتری برقرار خواهد شد. هر اندازه که برد واژگان بیشتر و تاریخی‌تر، احساس نزدیکی و تفاهم و همدردی بیشتر خواهد بود. پس از فایز و منوچهر آتشی - بزرگترین شاعران اثرگذار جنوب - شاعرانی داریم که به حق در این زمینه کارهای باارزش و خواندنی و ماندنی انجام داده‌اند که چون سخن آنان از دل برخاسته لاجرم بر دل می‌نشیند. فرهیختگانی چون: محمد بیابانی، فرج الله کمالی، محمدجواد حامدی، علی مرادی، ایرج

۱- فایز، ترانه‌سرای جاوید، از همین قلم ص ۱۵ و شعر دشتی و دشتستان، دفتر اول، ص ۱۱۱

شمسی‌زاده و بهرام اکبرزاده، دکتر سیدجعفر حمیدی، محمدحسن آرشنیا، و... شاعرانی هستند که در کنار سرودن شعر به زبان رسمی و ملی، اشعار زیبایی به گویش محلی با تمام خصوصیات که در یک شعر خوب بومی می‌توان دید خلق کرده‌اند، اشعاری که دارای اندیشه و جوهر شعری ناب هستند. شعرهایی که توده‌های وسیع روستایی را شاد می‌کند و آنان را هیجان‌زده می‌سازد و خواص و اهل فن را هم به تحسین وامی‌دارد. به همین سبب است که در جنوب، علاقه‌مندان به شعر، اغلب شعرهای بومی این شاعران را از حفظ دارند.

اشعاری که در این کتاب آورده شده تعدادی به تمامی به گویش محلی و بومی است و تعدادی دیگر به زبان فارسی معمول و متداول، که در آنها از واژگان بومی و محلی کم و بیش و بسته گریخته و البته با کاربرد فرهنگی، عاطفی و تاریخی خوب استفاده شده است. در این نمونه آثاری نظیر اشعار: منوچهر آتشی، فرج‌اله کمالی، ایرج شمس‌زاده، علی باباچاهی، دکتر سیدجعفر حمیدی، محمد آذری، علی هوشمند و... آورده شده است. امید که این مختصر موردپسند شعردوستان و پژوهشگران ارجمند قرار گیرد و این نگارنده توانسته باشد در این راستا و در راه شناخت شعر بومی استان بوشهر گامی هرچند کوچک برداشته باشد. و نیز امیدوارم چنانچه یاران، نارسایی و کاستی‌هایی مشاهده کردند این نگارنده را راهنمایی و ارشاد فرمایند تا در چاپهای احتمالی بعدی کاستی‌ها برطرف گردد.

از کسانی که در گردآوری این آثار مرا یاری کرده‌اند به ویژه خانم ثریا ساوری‌پور و برادرش محمدرضا - دو شاعر گرانقدر از بندر ریگ، سپاسگزاری می‌نماید و برایشان آرزوی پیروزی را دارد.